

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۵۳

اما از آنجا که این وصف یعنی عدم احساس میل جنسی درباره گروهی از پیران صادق است بعید نیست که مفهوم آیه را توسعه دهیم و این دسته از پیر مردان نیز در معنی آیه داخل باشند.

در حدیثی از امام کاظم (علیه السلام) نیز روی این گروه از پیر مردان تکیه شده است.

ولی به هر حال مفهوم آیه این نیست که این دسته از مردان همانند محارمند، قدر مسلم این است که پوشیدن سر یا کمی از دست و مانند آن در برابر این گروه واجب نیست.

۶- کدام اطفال از این حکم مستثنا هستند

گفتیم دوازدهمین گروهی که حجاب در برابر آنها واجب نیست، اطفالی هستند که از شهوت جنسی هنوز بهره ای ندارند.

جمله «لم یظهروا» گاهی به معنی «لم یطلعوا» (آگاهی ندارند) و

گاه به معنی «لم یقدروا» (توانائی ندارند) تفسیر شده، زیرا این ماده به هر دو معنی آمده است و در قرآن گاه در این و گاه در آن بکار رفته.

مثلاً در آیه ۲۰ سوره کهف می خوانیم: «ان یظهروا علیکم یرجموکم» (اگر اهل شهر از وجود شما آگاه شوند سنگسارتان می کنند).

و در آیه ۸ سوره توبه می خوانیم «کیف و ان یظهروا علیکم لا یرقبوا فیکم الا ولا ذمة» (چگونه با پیمان شکنان پیکار نمی کنید در حالی که اگر آنها بر شما چیره شوند نه ملاحظه خویشاوندی با شما می کنند و نه پیمان).

ولی به هر حال این تفاوت در آیه مورد بحث تفاوت چندانی از نظر نتیجه ندارد منظور اطفالی است که بر اثر عدم احساس جنسی نه توانائی دارند و نه آگاهی. بنابراین اطفالی که به سنی رسیده اند که این تمایل و توانائی در آنها بیدار شده باید بانوان مسلمان حجاب را در برابر آنها رعایت کنند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۵۴

۷- چرا عمو و دایی جزء محارم نیامده اند؟

از مطالب سؤال انگیز اینکه در آیه فوق ضمن بیان محارم به هیچوجه سخنی از عمو و دایی در میان نیست، با اینکه به طور مسلم محرمند و حجاب در برابر آنها لازم نمی باشد.

ممکن است نکته آن این باشد که قرآن می خواهد نهایت فصاحت و بلاغت را در بیان مطالب به کار گیرد و حتی یک کلمه اضافی نیز نگوید، از آنجا که استثنای پسر برادر و پسر خواهر نشان می دهد که عمه و خاله انسان نسبت به او محرمند روشن می شود که عمو و دایی یک زن نیز بر او محرم می باشند و به تعبیر روشنتر محرمیت دو جانبه است، هنگامی که از یکسو فرزندان خواهر و برادر انسان بر او محرم شدند، طبیعی است که از سوی دیگر و در طرف مقابل عمو و دایی نیز محرم باشند (دقت کنید).

#### ۸ - هر گونه عوامل تحریک ممنوع!

آخرین سخن در این بحث اینکه در آخر آیه فوق آمده است که نباید زنان به هنگام راه رفتن پاهای خود را چنان به زمین کوبند تا صدای خلخالهایشان به گوش رسد! این امر نشان می دهد که اسلام به اندازه ای در مسائل مربوط به عفت عمومی سختگیر و مو شکاف است که حتی اجازه چنین کاری را نیز نمی دهد، والسته به طریق اولی عوامل مختلفی را که دامن به آتش شهوت جوانان می زند مانند نشر عکسهای تحریک آمیز و فیلم های اغوا کننده و رمانها و داستانهای جنسی را نخواهد داد، و بدون شک محیط اسلامی باید از اینگونه مسائل که مشتریان را به مراکز فساد سوق می دهد و پسران و دختران جوان را به آلودگی و فساد می کشاند پاک و مبرا باشد.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۵۵

آیه ۳۲ - ۳۴

آیه و ترجمه

و انکحوا الایمی منکم و الصلحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء  
یغنیهم الله من فضله و الله وسع علیم ۳۲

و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله و الذین  
یبتغون الکتب مما ملکت ائیمنکم فکاتبوهم ان علمتم فیهم خیرا و اءتوهم من  
مال الله الذی اءتئکم و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء ان اءردن تحصنا لتبتغوا  
عرض الحیوة الدنیا و من یکرههن فان الله من بعد اکرههن غفور رحیم ۳۳

و لقد انزلنا اليكم ايت مبيننت و مثلا من الذين خلوا من قبلکم و  
موعظة للمتقين ۳۴

تفسير نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۵۶

ترجمه :

۳۲ - مردان و زنان بی همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستی‌کارتان را، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می‌سازد، خداوند واسع و آگاه است.

۳۳ - و آنها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را به فضلش بی نیاز سازد و بردگانی از شما که تقاضای مکاتبه (قرار داد مخصوص برای آزاد شدن) را دارند با آنها قرار داد ببندید، اگر رشد و صلاح در آنها احساس می‌کنید (و بعد از آزادی توانائی زندگی مستقل را دارند) و چیزی از مال خدا که به شما داده است به آنها بدهید، و کنیزان خود را برای تحصیل متاع دنیا مجبور به خودفروشی نکنید اگر آنها می‌خواهند پاک بمانند، و هر کس آنها را بر این کار اکراه کند (سپس پشیمان گردد) خداوند بعد از این اکراه غفور و رحیم است (توبه کنید و برای همیشه این عمل ننگین را ترک گوئید).

۳۴ - ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می‌کند و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران.

تفسیر:

ترغیب به ازدواج آسان

از آغاز این سوره تا به اینجا طرق حساب شده مختلفی برای پیشگیری از آلودگی‌های جنسی مطرح شده است، که هر یک از آنها تاثیر به سزائی در پیشگیری یا مبارزه با این آلودگیها دارد.

در آیات مورد بحث به یکی دیگر از مهمترین طرق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان، و بی ریا و بی تکلف است، اشاره شده، زیرا این نکته مسلم است که برای بر چیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد، و به تعبیر دیگر هیچگونه مبارزه منفی بدون مبارزه مثبت مؤثر نخواهد افتاد.

لذا در نخستین آیه مورد بحث می‌فرماید: «مردان و زنان بی همسر را همسر

دهید، و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را» (و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم). «ایامی» جمع «ایم» (بر وزن قیم) در اصل به معنی زنی است که شوهر ندارد، سپس به مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است، و به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این آیه داخلند خواه بکر باشند یا بیوه.

تعبیر «انکحوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمکهای مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج، و بالاخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست، خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هر گونه قدمی و سخنی و درمی در این راه را شامل می شود.

بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می کند که مسلمانان در همه زمینه ها به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است.

اهمیت این مسأله تا به آن پایه است که در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم: افضل الشفاعات ان تشفع بین اثنین فی نکاح حتی یجمع الله بینهما: «بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی، تا این امر به سامان برسد»!

در حدیث دیگری از امام کاظم موسی بن جعفر (علیه السلام) می خوانیم: ثلاثة یستظلون بظل عرش الله یوم القيامة، یوم لا ظل الا ظله، رجل زوج اخاه المسلم او اخدمه، او کتم له سرا «سه طایفه اند که در روز قیامت در سایه عرش خدا قرار دارند، روزی که سایه ای جز سایه او نیست: کسی که وسائل تزویج برادر مسلمانش

را فراهم سازد، و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت کننده ای برای

اوفرهم کند و کسی که اسرار برادر مسلماننش را پنهان دارد!!  
و بالاخره در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم: هر  
گامی انسان در این راه بر دارد و هر کلمه‌ای بگوید، ثواب یکسال عبادت در  
نامه عمل او می نویسند» (کان له بكل خطوة خطاها، او بكل كلمة تكلم بها  
فی ذلک، عمل سنة قیام لیلها و صیام نهارها).

و از آنجا که یک عذر تقریباً عمومی و بهانه همگانی برای فرار از زیر بار ازدواج  
و تشکیل خانواده مسأله فقر و نداشتن امکانات مالی است قرآن به پاسخ  
آن پرداخته می فرماید: از فقر و تنگدستی آنها نگران نباشید و در  
ازدواجشان بکوشید چرا که «اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنها را از  
فضل خود بی نیاز می سازد» (ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله).  
و خداوند قادر بر چنین کاری هست، چرا که «خداوند واسع و علیم است»  
(ان الله واسع علیم).

قدرتش آنچنان وسیع است که پهنه عالم هستی را فرا می گیرید، و علم او  
چنان گسترده است که از نیات همه کس مخصوصاً آنها که به نیت حفظ عفت  
و پاکدامنی اقدام به ازدواج می کنند آگاه است، و همه را مشمول فضل و کرم  
خود قرار خواهد داد.

در این زمینه تحلیل روشنی داریم، و همچنین روایات متعددی که در آخر  
این بحث خواهد آمد.

ولی از آنجا که گاه با تمام تلاش و کوشش که خود انسان و دیگران می کنند

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۵۹

وسایله ازدواج فراهم نمی گردد و خواه و ناخواه انسان مجبور است مدتی را  
بامحرومیت بگذراند، مبادا کسانی در این مرحله قرار دارند گمان کنند که  
آلودگی جنسی برای آنها مجاز است، و ضرورت چنین ایجاب می کند، لذا بلا  
فاصله درآیه بعد دستور پارسائی را هر چند مشکل باشد به آنها داده می گوید:  
«و آنها که وسایله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند، تا خداوند آنان را به  
فضالش بی نیاز سازد» (و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله  
من فضله).

نکنند در این مرحله بحرانی و در این دوران آزمایش الهی تن به آلودگی در  
دهند و خود را معذور بشمرند که هیچ عذری پذیرفته نیست، بلکه باید قدرت

ایمان و شخصیت و تقوا را در چنین مرحله‌ای آزمود.

سپس از آنجا که اسلام به هر مناسبت سخن از بردگان به میان آید عنایت و توجه خاصی به آزادی آنها نشان می‌دهد، از بحث ازدواج، به بحث آزادی بردگان از طریق مکاتبه (بستن قرارداد برای کار کردن غلامان و پرداختن مبلغی به اقساط به مالک خود و آزاد شدن) پرداخته می‌گوید: «بردگانی که از شما تقاضای مکاتبه برای آزادی می‌کنند با آنها قرار داد ببندید، اگر رشد و صلاح در آنان احساس می‌کنید» (و الذین یبتغون الکتاب مما ملکت ایمانکم فکاتبوهم ان علمتم فیهم خیرا).

منظور از جمله «علمتم فیهم خیرا» این است که رشد و صلاحیت کافی برای عقد این قرار داد و سپس توانائی برای انجام آن داشته باشند و بتوانند بعد از پرداختن مال الکتابه (مبلغی را که قرار داد بسته‌اند) زندگی مستقلی را شروع کنند، اما اگر توانائی بر این امور را نداشته باشند، و این کار در مجموع به ضرر آنها تمام شود و در نتیجه سر بار جامعه شوند باید به وقت دیگری موکول کنند که این صلاحیت و توانائی حاصل گردد.

سپس برای اینکه بردگان به هنگام ادای این اقساط به زحمت نیفتند

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۶۰

دستور می‌دهد که چیزی از مال خداوند که به شما داده است به آنها بدهید» (وآتوهم من مال الله الذی آتاکم).

در اینکه منظور از این مال چه مالی است که باید به این بردگان داد؟ در میان مفسران گفتگو است:

جمع کثیری گفته‌اند: منظور این است که سهمی از زکات، همانگونه که در آیه ۶۰ سوره توبه آمده است، به آنها پرداخته شود تا بتوانند دین خود را ادا کنند و آزاد شوند.

بعضی دیگر گفته‌اند منظور آن است که صاحب برده قسمتی از اقساط را به او ببخشد، و یا اگر دریافت داشته به او باز گرداند، تا توانائی بیشتر بر نجات خود از اسارت و بردگی پیدا کند.

این احتمال نیز وجود دارد که در آغاز کار که بردگان توانائی بر تهیه مال ندارند چیزی به عنوان کمک خرج یا سرمایه مختصر به آنها بدهند تا بتوانند به کسب و کاری مشغول شوند، هم خود را اداره کنند، و هم اقساط دین خویش را

بپردازند.

البته سه تفسیر فوق با هم منافاتی ندارد و ممکن است مجموعاً در مفهوم آیه جمع باشد، هدف واقعی این است که مسلمانان این گروه مستضعف را تحت پوشش کمکهای خود قرار دهند تا هر چه زودتر خلاصی یابند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که در تفسیر این آیه فرمود: تضع عنه من نجومه التی لم تکن ترید ان تنقصه، و لا تزید فوق ما فی نفسک. اشاره به اینکه بعضی برای اینکه کلاه شرعی درست کنند و بگویند ما طبق آیه فوق به بردگان خود کمک کرده ایم و تخفیف داده ایم، مبلغ مال الکتابه را بیش از آنچه در نظر داشتند می نوشتند، تا به هنگام تخفیف دادن درست همان مقداری

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۶۱

را که می خواستند بی کم و کاست دریافت دارند! امام صادق (علیه السلام) از این کار نهی می فرماید و می گوید: «باید تخفیف از چیزی باشد که واقعا در نظر داشته از او بگیرد»! در دنباله آیه به یکی از اعمال بسیار زشت بعضی از دنیا پرستان در مورد بردگان اشاره کرده می فرماید: «کنیزان خود را به خاطر تحصیل متاع زود گذر دنیا مجبور به خودفروشی نکنید، اگر آنها می خواهند پاک بمانند»! (و لا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء ان اردن تحصنا لتبتغوا عرض الحیاة الدنیا). بعضی از مفسران در شأن نزول این جمله گفته اند: «عبد الله بن ابی» شش کنیز داشت که آنها را مجبور به کسب در آمد برای او از طریق خودفروشی می کرد! هنگامی که حکم اسلام درباره مبارزه با اعمال منافی با عفت (در این سوره) صادر شد آنها به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و از این ماجرا شکایت کردند آیه فوق نازل شد و از این کار نهی کرد».

این آیه نشان می دهد که تا چه حد در عصر جاهلیت مردم گرفتار انحطاط و سقوط اخلاقی بودند که حتی بعد از ظهور اسلام نیز بعضاً به کار خود ادامه می دادند، تا اینکه آیه فوق نازل شد و به این وضع ننگین خاتمه داد، اما متأسفانه در عصر ما که بعضی آن را عصر جاهلیت قرن بیستم نام نهاده اند در بعضی از کشورها که دم از تمدن و حقوق بشر می زنند این عمل به شدت ادامه



دارد، و حتی در مملکت ما، در عصر طاغوت نیز به صورت وحشتناکی وجود داشت که دختران معصوم و زنان ناآگاه را فریب می دادند و به مراکز فساد می کشاندند و با طرحهای شیطانی مخصوص آنها را مجبور به خودفروشی می کردند و راه فرار را از هر طریق به روی آنها می بستند، تا از این طریق در آمدهای سرشاری فراهم سازند که شرح این ماجرا، بسیار دردناک، و از عهده این سخن خارج است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۶۲

گرچه ظاهراً بردگی به صورت سابق وجود ندارد، ولی در دنیای به اصطلاح متمدن جنایاتی می شود که از دوران بردگی به مراتب وحشتناکتر است، خداوند مردم جهان را از شر این انسانهای متمدن نما حفظ کند، و خدا را شکر که در محیط ما بعد از انقلاب اسلامی به این اعمال ننگین خاتمه داده شد. ذکر این نکته نیز لازم است که جمله ان اردن تحصنا (اگر آنها می خواهند پاک بمانند...) مفهومش این نیست که اگر خود آن زنهای مایل به این کار باشند اجبار آنها مانعی ندارد، بلکه این تعبیر از قبیل «منتفی به انتفاء موضوع» است زیرا عنوان اکراه در صورت عدم تمایل صادق است و گر نه خودفروشی و تشویق به آن به هر حال گناه بزرگی است.

این تعبیر برای این است که اگر صاحبان این کنیزان مختصر غیرتی داشته باشند به غیرت آنها برخورد مفهوم آیه این است این کنیزان که ظاهراً در سطح پائینتری قرار دارند مایل به این آلودگی نیستند شما که آنها را ادعا دارید چرا تن به چنین پستی در می دهید؟!

در پایان آیه - چنانکه روش قرآن است - برای اینکه راه بازگشت را به روی گنهکاران نبندد بلکه آنها را تشویق به توبه و اصلاح کند می گوید: «و هر کس آنها را بر این کار اکراه کند (سپس پشیمان گردد) خداوند بعد از اکراه آنها غفور و رحیم است» (و من یکرههمن فان الله من بعد اکراههمن غفور رحیم).

این جمله چنانکه گفتیم ممکن است اشاره به وضع صاحبان آن کنیزان باشد که از گذشته تاریک و ننگین خود پشیمان و آماده توبه و اصلاح خویش شدن هستند، و یا اشاره به آن زنانی است که تحت فشار و اجبار تن به این کار می دادند.



در آخرین آیات مورد بحث - همانگونه که روش قرآن است - به صورت یک جمع‌بندی اشاره به بحث‌های گذشته کرده می‌فرماید: ما بر شما آیاتی فرستادیم

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۶۳

که حقائق بسیاری را تبیین می‌کند (و لقد انزلنا اليكم آیات مبينات). و نیز «مثلها و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند» (و سر نوشت آنها درس عبرتی برای امروز شما است) (و مثلا من الذين خلوا من قبلكم). و نیز «موعظه و پند و اندرز برای پرهیزکاران» (و موعظة للمتقين)

**نکته‌ها:**

### ۱ - ازدواج یک سنت الهی است

گرچه امروز مسأله ازدواج آنقدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده که به صورت یک جاده صعب العبور یا غیر قابل عبور برای جوانان در آمده است، ولی قطع نظر از این پیرایه‌ها، ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ قانون آفرینش است که انسان برای بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی احتیاج به ازدواج سالم دارد.

اسلام که هماهنگ با آفرینش گام بر می‌دارد نیز در این زمینه تعبیرات جالب و مؤثری دارد، از جمله حدیث معروف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است: «تساکحوا، و تناسلوا تکثروا فانی اباهی بکم الامم یوم القیامه و لو بالسقط» «ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من با فزونی جمعیت شما حتی با فرزندان سقط شده در قیامت به دیگر امت‌ها مباهات می‌کنم! و در حدیث دیگر از آن حضرت می‌خوانیم: «من تزوج فقد احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الباقی» «کسی که همسر اختیار کند نیمی از دین خود را محفوظ داشته، و باید مراقب نیم دیگر باشد».

چرا که غریزه جنسی نیرومندترین و سرکشترین غرائز انسان است که به تنهایی با دیگر غرائز برابری می‌کند، و انحراف آن نیمی از دین و ایمان انسان

